

ارقام جدیدی از اقتصاد جمهوری آذربایجان

اقتصاد جمهوری آذربایجان بر محور صنعت و کشاورزی استوار است که عمدتاً برای تأمین نیازها و براساس سیاستهای خاص اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی پایه‌ریزی شده‌برد. فعالیتهای صنعتی ۴۰ و بخش کشاورزی ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهند. بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار این جمهوری در این دو بخش فعالیت دارند. جهت آشنایی با اقتصاد جمهوری آذربایجان در شرایط فعلی، به شرح مختصر این دو بخش می‌پردازیم.

الف) صنعت

بخش صنعت در جمهوری آذربایجان متنوع است؛ اما به دلیل وابستگی شدید به دیگر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق و بویژه روسیه و اوکراین پس از استقلال، این جمهوری دچار رکود و کاهش تولید گردیده است. این بخش شامل استخراج و ذوب فلزات (فولاد و آلومینیوم)، ماشین‌سازی، محصولات چوبی، مصالح ساختمانی، مولدهای برق، کالاهای الکتریکی و الکترونیکی مصرفی، محصولات شیمیایی و پتروشیمی، نساجی (پنبه، پشم و ابریشم)، کارخانجات البسه، محصولات چرمی، صنایع کشاورزی می‌باشد.

از سال ۱۹۸۹ به بعد تولیدات صنعتی روند نزولی داشته است. گرچه آمار منتشره درخصوص جمهوری آذربایجان به دلایل عدیده‌ای قابل اتکا نمی‌باشد، براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، تولیدات صنعتی در سال ۱۹۹۲ تا ۱۸ درصد و در سال ۹۳ تا ۵ درصد کاهش داشته است. ضمن اینکه آمار بانک جهانی حکایت از کاهش ۲۳/۱ درصدی تولیدات صنعتی در سال ۹۳ و ۱۵/۱ درصدی در سال ۹۴ دارد. نتیجه قطعی این آمار متناقض این است که در ۵ سال گذشته تمام بخشهای صنعتی جمهوری آذربایجان کاهش تولید داشته‌اند.

براساس آمار بانک جهانی تولید فولاد ۴۵ درصد در سال ۹۳ و ۸۲ درصد در سال ۹۴ و همچنین تولید کودهای شیمیایی و معدنی ۶۰ درصد در سال ۹۳ و ۸۶ درصد در سال ۹۴ کاهش تولید داشته است. به‌رغم اینکه آمار منسوجات پنبه‌ای و پشمی در سال ۹۳ به ترتیب ۲۷ و ۲۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد، در سال ۹۴ به ترتیب شاهد ۲۲ و ۶۰ درصد کاهش تولید می‌باشیم.

نتایج بررسی‌های هیأت کارشناسی UNIDO نیز مؤید افت شدید تولیدات صنعتی در شاخه‌های متالورژی، صنایع پتروشیمی و شیمیایی و آن دسته از صنایع نساجی که با الیاف وارداتی تولید داشته‌اند، می‌باشد. تولیدات این بخش حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد ظرفیت بوده است.

انباشت بدهی‌های زنجیروار بین شرکتها امروزه خطری جدی برای بخش صنعت جمهوری آذربایجان محسوب می‌گردد. برای مثال شرکت انحصاری برق جمهوری آذربایجان (آذر انرژی) ۹۰۰ میلیارد منات به شرکت دولتی توزیع نفت بدهکار است که این شرکت نیز به نوبه خود این پول را به شرکت دولتی نفت آذربایجان (SOCAR) که تولید نفت این کشور را در دست دارد، بدهکار است. آذر انرژی نیز به نوبه خود ۶۰۰ میلیارد منات از شرکت تولید آلومینیوم و ۲۶۰ میلیارد منات از صنایع شیمیایی سومقائیت طلب دارد.

از دیگر بخشهای مهم فعالیتهای صنعتی جمهوری آذربایجان، نفت و صنایع وابسته به آن می‌باشد. نفت مهمترین منبع طبیعی این کشور بوده و سابقه صنعت نفت در این جمهوری به اوایل قرن ۱۹ برمی‌گردد. اولین چاه نفت جمهوری آذربایجان در سال ۱۸۴۸ در باکو حفر گردید. اوج تولید نفت جمهوری آذربایجان سال ۱۹۴۱ است که با تولید ۲۴/۳ میلیون تن، ۷۰ درصد نفت مصرفی شوروی را تأمین می‌کرد. از جنگ جهانی دوم به بعد تولید نفت در این جمهوری روبه کاهش نهاد و در سال ۱۹۹۴ به ۱۹۵ هزار بشکه در روز بالغ گردید.

پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ با افزایش حضور و فعالیت شرکتهای خارجی در صنایع نفت آذربایجان و بویژه حوزه‌های نفتی دریای خزر، دولت جمهوری آذربایجان امیدوار است در سال ۲۰۱۰ میزان تولید سالانه نفت خود را به ۴۰ میلیون تن (که در حال حاضر ۹/۵ میلیون تن می‌باشد) و گاز را به ۱۸ میلیارد مترمکعب افزایش دهد.

دیگر صنایع عمده این جمهوری عبارت‌اند از: پتروشیمی، پالایش نفت، ساخت تجهیزات صنعت نفت (مته‌های حفاری، لوله، کمپرسور، تانکر و...)، صنایع شیمیایی تولید کودهای معدنی، پلاستیک، لاستیک، صنایع نساجی، فرآورده‌های غذایی، صنایع چوبی و مصالح ساختمانی.

آینده توسعه صنایع جمهوری آذربایجان به توانایی کشور برای غلبه بر مشکلات و موانع و تهدیداتی که پیش روی صنعت این کشور وجود دارد و همچنین استفاده بهینه از فرصتها بستگی دارد.

ب) کشاورزی

شرایط آب و هوایی آذربایجان، زمینه مساعدی را برای فعالیتهای کشاورزی و دامداری فراهم آورده است. مراتع و زمینهای کشاورزی نیمی از مساحت آذربایجان را دربر می‌گیرد. آذربایجان در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۶ درصد از نیازهای مواد غذایی، ۷ درصد محصول پنبه، ۲۲/۵ درصد از تنباکو و ۲۱ درصد انگور اتحاد جماهیر شوروی را تولید می‌کرد.

پس از استقلال جمهوری آذربایجان میزان تولید محصولات کشاورزی و دامی روند

نزولی داشته است. کمبود منابع مالی برای تأمین کود، بذر، تجهیزات و ادوات کشاورزی و همچنین فقدان سیستم مدیریتی کارآمد از دلایل عمده این کاهش تولید می باشد.

فعالیت‌های کشاورزی جمهوری آذربایجان در قالب ۱۹۰۰ روستا و مزرعه اشتراکی است. گرچه در چند سال اخیر گام‌هایی برای خصوصی کردن بخش کشاورزی برداشته شده؛ ولی هنوز عمده فعالیت‌های کشاورزی در مزارع اشتراکی صورت می‌گیرد.

از دیگر برنامه‌های جمهوری آذربایجان در بخش کشاورزی واگذاری اراضی زراعی به بخش خصوصی است. در این راستا قانون اصلاح اراضی به تصویب رسیده است که با اجرای آن از ۸،۶۴۱،۰۰۰ هکتار زمین زراعی جمهوری آذربایجان ۴۵ درصد یعنی ۳،۸۶۴،۰۰۰ هکتار دولتی، ۳۳ درصد معادل ۲،۸۶۶،۶۰۰ هکتار در اختیار شهرداری‌ها و ۲۲ درصد معادل ۱،۹۱۱،۰۰۰ هکتار خصوصی خواهد بود.

تاکنون در جمهوری آذربایجان از ۲۰۱۶ واحد دامپروری اشتراکی ۵۱۵ واحد گاو‌داری و از ۳۸۳ هزار رأس احشام، ۱۰۸ هزار رأس و از ۵۱۹ واحد پرورش گوسفند ۴۴۰ مؤسسه و از یک میلیون و ۶۹۳ هزار رأس گوسفند، ۴۰۰ هزار رأس به بخش خصوصی واگذار شده است. براساس آمار وزارت کشاورزی جمهوری آذربایجان تا اول سپتامبر ۱۹۹۶ تعداد ۶۱۴۸ مؤسسه کشاورزی روستایی، ۱۲۹۹ تعاونی روستایی و ۱۸۹۶ مؤسسه کوچک تشکیل به‌ثبت رسیده است.

در خصوص همکاری‌های خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی در بخش کشاورزی نیز اقداماتی صورت گرفته و مؤسسات مشترک تولید و استحصال چای، کنسرو، میوه و سبزیجات ایجاد و آغاز به کار کرده است. برای ایجاد صندوق اعتبارات اراضی جمهوری آذربایجان با مساعدت و تأمین مالی بانک جهانی و IFAD اقداماتی در جریان است و براساس آن واحدهای نمونه کشاورزی و دامپروری روستایی ایجاد خواهد شد.

براساس پیش‌بینی‌های مسئولان وزارت کشاورزی جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۶ بالغ بر یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن دانه‌های نباتی، ۶۰۰ هزار تن غلات، ۳۱۹ هزار تن پنبه، ۴۷۰ هزار تن سبزیجات، ۱۰ هزار تن برگ چای، ۱۶۰ هزار تن سیب‌زمینی، ۳۳۰ هزار تن میوه و ۵۰ هزار تن صیفی‌جات برداشت شده است.

جمهوری آذربایجان امیدوار است با واگذاری مزارع کشاورزی و مؤسسات دامپروری اشتراکی به بخش خصوصی و همچنین با اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین‌های مزروعی به کشاورزان و با استفاده از سرمایه‌های خارجی جهت نوسازی کارخانجات استحصال و فرآوری محصولات کشاورزی و دامی سیر نزولی تولیدات بخش کشاورزی را متوقف نموده و به سمت اقتصاد بازار سوق دهد.

هم‌اکنون جمهوری آذربایجان برای تأمین نیازهای داخلی خود سالانه ۱ میلیون تن گندم و ۱۰۰ هزار تن گوشت وارد می‌کند که با احتساب دیگر اقلام مواد غذایی وارداتی سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار واردات مواد غذایی، بخش کشاورزی جمهوری آذربایجان را با چالشهای جدی مواجه نموده است.

ج) سیاستهای اقتصادی

به دنبال افت شاخصهای اقتصادی شوروی در دهه ۸۰، اقتصاد جمهوری آذربایجان از ۱۹۸۹ دچار بحران شد و سیر نزولی خود را آغاز کرد. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول (IMF) تولید ناخالص داخلی و تولیدات صنعتی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ به میزان ۶۱ و ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد. بخش صنعت در سال ۱۹۹۴ نیز حدود ۲۳ و در سال ۱۹۹۵ حدود ۲۵ درصد کاهش داشت.

پس از به قدرت رسیدن حیدرعلی‌اف، گذار از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار هدف سیاستهای اقتصادی این کشور اعلام گردید. در مرحله اول قطع یارانه‌های دولتی، تعدیل نرخ سوخت و ارز صورت گرفت. در مرحله دوم خصوصی‌سازی، اصلاحات ارضی، بازسازی ساختار شرکتها، اصلاحات بانکی و تأکید بر سیستم مالیاتی در سال ۱۹۹۶ مدنظر قرار گرفت. در مرحله سوم توسعه منابع نفتی و انتقال نفت حاصله از طریق جلب مشارکت شرکتهای خارجی مورد تأکید می‌باشد.

از سال ۱۹۹۲ تاکنون چند طرح برای تدوین و قانونمند کردن روندگذار به اقتصاد آزاد مورد تصویب قرار گرفته است. امروزه دولت در صدد تسریع در اصلاحات ساختاری برای آزادسازی اقتصادی و گسترش روند انتقال به اقتصاد بازار است. این روند و اقدامات بر خصوصی‌سازی، بازسازی شرکتها، توسعه بخش خصوصی، سیاستهای ضدانحصاری و اصلاح در سیستم مالی تأکید دارد.

روند تثبیت اقتصادی در جمهوری آذربایجان پیشرفتهایی نیز داشته است. در مرحله اول آن که شامل آزادسازی قیمتها، کنترل تورم و تثبیت نرخ ارز می‌باشد، موفقیتهایی به چشم می‌خورد ولی برنامه اصلاحات ساختاری موفقیت کمتری داشته است. هدف اصلی این برنامه بخش صنعت است که در آن ایجاد یک چارچوب حقوقی، مقررات و محیط تجاری مناسبی مدنظر است تا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خارجی و داخلی را تشویق کند. همچنین این برنامه دربرگیرنده بازسازی ساختار شرکتها و تغییر سیاستها به منظور گسترش و ایجاد اقتصاد بازار و اصلاح بخش بانکی است.

سیستم قیمت‌گذاری

بجز چند کالای خاص قیمت اجناس در آذربایجان آزاد است. فقدان محیط رقابت کامل باعث شده تا دولت کماکان به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده و خریدار محصولات باقی بماند. مقررات کنترل قیمت‌ها به برق، گاز، گرمایش، سیستم فاضلاب، اجاره و حمل‌ونقل محدود خواهد شد.

خصوصی‌سازی

در تیمه دوم سال ۱۹۹۲، کمیته مالکیت دولتی برای انتقال مالکیت و تدوین مقررات حقوقی به عنوان مبنای مالکیت خصوصی به وجود آمد. تاکنون خصوصی‌سازی در مقیاس کوچکی بوده و فعالیتهای مرتبط با تجارت و صنایع محلی معدودی را دربر گرفته است. تقریباً ۸۰ درصد مالکیت‌ها و ۷۵ درصد کارمندان، هنوز در بخش دولتی است. براساس آمار منتشره تا ۸ اکتبر ۱۹۹۶ حدود ۳۱۲۷ واحد تولیدی و تجاری کوچک به بخش خصوصی واگذار شده است. دولت درصدد خصوصی‌سازی ۷۵ درصد شرکتهاست. برای نیل به این هدف برنامه خصوصی‌سازی به تصویب رسیده است. این برنامه دربرگیرنده تمام شرکتهای کوچک و بزرگ در تمام بخشهای اقتصادی شامل ارتباطات، حمل‌ونقل، برق و فراوری محصولات کشاورزی می‌باشد. در برنامه خصوصی‌سازی در مورد چند شرکت خیلی بزرگ، مناقصه موردی پیش‌بینی شده است. این برنامه حتی دربرگیرنده شرکتهای معدنی و پالایشگاههای نفت دولتی نیز می‌باشد.

مؤسسات مالی بین‌المللی نیز با کمکهای خود در صدد اجرای برنامه خصوصی‌سازی در جمهوری آذربایجان هستند. در مهرماه ۱۳۷۵ بانک جهانی تصویب نمود معادل ۲۱ میلیون دلار جهت اجرای برنامه خصوصی‌سازی در اختیار جمهوری آذربایجان قرار دهد.

سیستم مالی

سیستم مالی جمهوری آذربایجان عبارت است از: بانک ملی آذربایجان (بانک مرکزی)، چهار بانک تخصصی متعلق به دولت، در حدود ۱۸۵ بانک کوچک تجاری خصوصی و ۶۰ شرکت بیمه. براساس قوانین مالی آذربایجان، بانک مرکزی انتشار پول ملی، حمایت از سیستم پرداختها، طراحی و اجرای سیاستهای پولی، حساسی دولتی، تأمین نقدینگی سیستم بانکی و مدیریت ذخایر ارزی را به عهده دارد.

چهار بانک تخصصی دولتی زیرنظر بخش بانکهای بازرگانی فعالیت دارند که

عبارت‌انداز:



۱. Prominvest Bank؛ سپرده قبول می‌کند و به شرکتهای صنعتی وام می‌دهد؛
۲. Agropromo Bank؛ سپرده قبول می‌کند و به شرکتهای کشاورزی وام می‌دهد؛
۳. بانک امانت؛ قبول سپرده‌های خانگی و اعطای وام به بازار بین‌المللی را به‌عهده

دارد؛

۴. بانک بین‌المللی؛ هدایت و انجام معاملات دولت و شرکتهای دولتی را به‌عهده‌دارد. ۵۱ درصد از این بانکها متعلق به دولت (وزارت دارایی) می‌باشد. براساس آمار منتشره بانک مرکزی جمهوری آذربایجان تا نوامبر ۱۹۹۵، ۱۸۵ بانک تجاری خصوصی در این کشور به ثبت رسیده است؛ اما اغلب این بانکها دامنه فعالیت محدودی دارند و بویژه از نظر سرمایه و همچنین اعطای وام محدودیتهایی دارند. افزایش تعداد بانکهای خارجی در جمهوری آذربایجان چشمگیر می‌باشد و در حال حاضر ۶ بانک خارجی در این جمهوری فعالیت دارند.

براساس قانون بانکی مصوب ۱۹۹۲، فعالیت بانک خصوصی در این کشور مجاز می‌باشد. فعالیت مشترک بانکها و شرکتهای خارجی تحت قوانین بانکی مجاز است؛ ولی مالکیت کامل و یا نسبت زیاد بانکهای خارجی محدودیت دارد.

نرخ سود در سپتامبر ۱۹۹۶ (شهریور - مهر ۷۵) در حدود ۵۰ درصد بود که نسبت به ژانویه ۱۹۹۵، کاهش چشمگیری دارد.

ارزش برابری پول ملی

پس از رایج شدن «منات» به عنوان پول ملی در اوت ۱۹۹۳، منات بشدت در مقابل دلار آمریکا ارزش برابری خود را از دست داد. در ژانویه ۱۹۹۴، ۱ دلار برابر ۲۹۲ منات بود که در دسامبر ۱۹۹۴ به ۴۲۴۵ و در پایان سال ۱۹۹۵ به ۴۵۰۰ منات در مقابل ۱ دلار و در آبان ماه ۱۳۷۵ (اکتبر ۱۹۹۶) ۱ دلار برابر ۴۲۶۰ منات گردید. این امر نشانگر ثبات نسبی ارزش برابری منات در مقابل دلار در دو سال گذشته می‌باشد. لیکن این ثبات نسبی بوده و باید به عوامل این ثبات نسبی توجه خاصی داشت. در دو سال گذشته با تزریق دلار از خارج (از محل پیش‌پرداخت شرکتهای غربی در پروژه‌های نفتی جمهوری آذربایجان و عدم پرداخت دستمزد کارگران و کارمندان) نرخ برابری پول ملی جمهوری آذربایجان به‌طور مصنوعی ثابت نگه شده است. ادامه این وضعیت به میزان موفقیت شرکتهای نفتی در برنامه‌های استخراج نفت در جمهوری آذربایجان و همچنین حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و نیز تعیین مسیر و زمان و هزینه‌های احداث لوله‌های انتقال نفت، بستگی دارد. افزایش قیمت کالاها و دستمزدهای بسیار ناچیز کارگران و کارمندان از آثار تثبیت نرخ ارز می‌باشد.



این سیاستها باعث تنزل شدید سطح زندگی اکثریت مردم شده است. براساس آمار رسمی جمهوری آذربایجان میزان متوسط دستمزدها در این کشور ۱۹ دلار می باشد که در عین حال ۹۰ درصد حقوق بگیران، دستمزدهای کمتر از ۱۲ دلار دارند. این رقمها براساس آمار منتشره از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به مراتب کمتر می باشد. از سال ۱۹۹۲ تا پایان سال ۱۹۹۵ قیمت کالاهای مصرفی حدود ۳۷۸۶ برابر گران شده است در حالی که میانگین دستمزدها حداکثر ۱۳۰ و حداقل ۵۷ برابر افزایش داشته است.

د) مبادلات تجاری جمهوری آذربایجان

پس از استقلال، مبادلات تجاری این جمهوری با خارج از کشورهای مشترک المنافع افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۱ میزان مبادلات تجاری جمهوری آذربایجان با کشورهای خارج از حوزه CIS ۱۳ درصد بود که در سال ۱۹۹۲ به ۴۷ درصد رسید. در سالهای بعد نیز این روند ادامه پیدا کرد و در مجموع، سهم کشورهای CIS در مبادلات تجاری جمهوری آذربایجان سیر نزولی داشته است. سهم صادرات جمهوری آذربایجان به این کشورها از مجموع صادرات در سال ۱۹۹۳ معادل ۵۱ درصد، در سال ۱۹۹۴ معادل ۴۳ درصد و در ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۵ معادل ۳۴ درصد بوده است. در مقابل میزان واردات از این کشورها نسبت به کل واردات جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۳ برابر ۸۸ درصد، در ۱۹۹۴ برابر ۶۲ درصد و در ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۵ معادل ۳۲ درصد بوده است.

مهمترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان به ترتیب جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکیه بوده اند. براساس آمار رسمی گمرک جمهوری آذربایجان مبادلات تجاری این کشور با جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۴ معادل ۳۲۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۵ معادل ۲۶۰ میلیون دلار بوده است. با احتساب مبادلاتی که در آمار گمرک ثبت نشده است. میزان مبادلات تجاری در سال ۱۹۹۴ به ۵۰۰ و در سال ۱۹۹۵ به ۴۰۰ میلیون دلار بالغ می گردد. البته باید در نظر داشت که ارزش واقعی کالاها و اقلام مبادلاتی بسیار بیشتر از ارزش اعلام شده به گمرک می باشد.

براساس آمار منتشره از سوی کمیته دولتی آمار جمهوری آذربایجان این جمهوری در ۸ ماهه اول ۱۹۹۶ با ۶۸ کشور خارجی رابطه تجاری داشته و میزان مبادلات تجاری آن برابر ۱ میلیارد و ۱۰۴ میلیون دلار بوده است که ۴۲۶ میلیون دلار آن با کشورهای CIS و ۶۷۸ میلیون دلار باقی مانده با دیگر کشورهای جهان بوده است.

در ۸ ماهه اول ۱۹۹۶ نیز کماکان جمهوری اسلامی ایران با ۱۸۷ میلیون دلار مهمترین شریک تجاری جمهوری آذربایجان بوده و روسیه با ۱۵۵، ترکیه با ۱۵۱، اوکراین با ۸۳ و

آلمان با ۶۴ میلیون دلار در رده‌های بعدی بوده‌اند. البته باید توجه داشت به دلیل هم‌مرزی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان و آزادی نسبی رفت و آمد تجار و مسافران و همچنین عدم اظهار ارزش واقعی کالاها از سوی تجار در گمرک میزان مبادلات تجاری به مراتب بیشتر از میزانی است که در آمار رسمی ثبت و منعکس می‌گردد.

براساس تحلیلهای وزارت روابط اقتصادی خارجی جمهوری آذربایجان میزان مبادلات تجاری این جمهوری در ۶ ماهه اول ۱۹۹۶ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حدود ۵۳ درصد افزایش داشته است. با توجه به رشد واردات (۸۱/۳ درصد) در مقایسه با صادرات (۲۴/۷ درصد) تراز تجاری منفی این کشور در ۶ ماهه اول ۱۹۹۶ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۹۰/۷ میلیون دلار افزایش داشته و به ۲۳۱/۸ میلیون دلار رسید.

سرمایه‌گذاری خارجی

جمهوری آذربایجان در برنامه‌های اقتصادی خود اهمیت خاصی به جذب سرمایه‌های خارجی دارد. تقریباً تمام فعالیتهای بخش نفت با سرمایه‌گذاری خارجی صورت می‌گیرد. با توجه به وجود زیرساختهای نسبتاً مناسب در بخش اقتصاد، سرمایه‌گذاران خارجی توجه خاصی نسبت به این بخش دارند.

این جمهوری در راستای تحقق اهداف اقتصادی خود برای جذب سرمایه‌های خارجی در ژانویه ۱۹۹۲ قانون «حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» را به تصویب رساند که در آن ایجاد شرکتهایی با سرمایه ۱۰۰ درصد خارجی، شرکتهای مشترک، ایجاد شعبات و دیگر اشکال فعالیت شرکتهای خارجی در جمهوری آذربایجان را مورد تأیید قرار می‌دهد.

براساس مطالعات مشترک UNIDO و UNDP شهروندان ۲۳ کشور در جمهوری آذربایجان فعالیت دارند. تقریباً زمینه فعالیت ۸۰ درصد شرکتهای مشترک ثبت شده، در بخش صنعت و ۱۰ درصد از آنها فعالیتهای تجاری، می‌باشد. حدود ۵ درصد از آنها نیز در بخش خدمات فعالیت دارند؛ ۵ درصد باقی‌مانده از شرکتهای ثبت شده نیز مشغول احداث کارخانه‌هایی هستند که در آینده در بخش تجاری فعالیت خواهند داشت. البته بسیاری از شرکتهای ثبت شده هنوز فعالیت خود را آغاز نکرده‌اند. از میان شرکتهای ثبت شده فقط ۲۹ درصد شرکتهای مشترک و ۸/۴ درصد شرکتهای کاملاً خارجی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. بقیه به دلایل متعددی از آغاز به کار امتناع کرده‌اند. در بین شرکتهای فعال هم ۱۰ درصد شرکتهای مشترک و ۳۰ درصد شرکتهای کاملاً خارجی در بخش صنعت فعالیت دارند.

میزان سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۵ معادل ۳۷۶ میلیون دلار بوده است. براساس آمار منتشره از سوی کمیته دولتی آمار جمهوری آذربایجان در

۸ ماهه اول سال ۱۹۹۶ میزان سرمایه‌گذاری خارجی در این جمهوری معادل ۳۴۵ میلیون دلار بوده است. براساس پیش‌بینی‌ها در پایان سال جاری میزان سرمایه‌گذاری خارجی به ۴۴۰ میلیون دلار بالغ خواهد گردید.

در ۸ ماهه اول ۱۹۹۶، ۷۳ درصد سرمایه‌گذاری خارجی در بخش تولید بوده است. همچنین ۶۴ درصد سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکت‌های مشترک در اجرای قراردادهای نفتی بوده است. تعداد همکاری‌های سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری آذربایجان تا پایان سال ۱۹۹۵ به ۱۳۸۵ فقره می‌رسد که ۹۱۳ فقره آن به صورت شرکت مشترک و ۴۷۲ فقره دیگر نیز کاملاً خارجی بوده است. میزان همکاری‌های مشترک جمهوری آذربایجان با دیگر کشورها به شرح زیر است: ترکیه ۴۲/۲ درصد، آمریکا ۴/۳ درصد، آلمان ۴/۱ درصد، جمهوری اسلامی ایران ۲/۱ درصد، انگلیس ۱/۸ درصد، سوئیس ۱/۵ درصد و رژیم اشغالگر قدس ۱/۱ درصد.

در مجموع به‌رغم بحران اقتصادی در جمهوری آذربایجان، تخریب ساختار مدیریتی، کمبود مواد اولیه، فرسودگی کارخانجات، پایین آمدن قدرت خرید مردم، عدم وجود بازار برای کالاهای تولیدی، نزدیک به ۲۰۰۰ شرکت خارجی در این جمهوری فعالیت دارند که نشانگر امید به آینده اقتصادی این کشور می‌باشد. لازم به ذکر است که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با برنامه‌ها و کمک‌های خود در صدد سازماندهی به اقتصاد این کشور می‌باشند.

چالش‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان

اقتصاد جمهوری آذربایجان همانند دیگر جمهوری‌های شوروی سابق وارث مشکلات و مسائل خاص سیاست‌های گذشته است که با سوء مدیریت و ضعف منابع مالی پس از استقلال، این مشکلات تشدید و اقتصاد این جمهوری دچار رکود و افت شدید تولید شده است. کاهش نرخ تولید ناخالص داخلی (۱۲ درصد در ۱۹۹۵ و ۱۸ درصد در ۸ ماهه اول ۱۹۹۶)، افزایش بیکاری ثبت شده (۲۳ درصد در ۱۹۹۵ و ۲۶ درصد در ۸ ماهه اول ۱۹۹۶)، افزایش تراز تجاری منفی، افزایش نرخ تورم، کاهش ذخایر ارزی و پایین آمدن سطح زندگی، شاخصه‌های سیستم اقتصادی این جمهوری محسوب می‌شود.

جمهوری آذربایجان برای حل مشکلات اقتصادی خود در کوتاه مدت و میان مدت در سطوح داخلی و خارجی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست. در سطح داخلی تثبیت نرخ تورم، سازماندهی مجدد زیرساخت‌های بخش‌های کشاورزی و صنعت، احیای رشد اقتصاد ملی، اجتناب از بیکاری فزاینده و استفاده بهینه از درآمدهای حاصله از قراردادهای نفتی برای توسعه اقتصادی کشور و بهره‌مندی تمام مردم آذربایجان از این منابع از مهمترین این چالش‌ها محسوب می‌گردد.

در سطح خارجی نیز حل مسئله قره‌باغ و دستیابی به صلح در منطقه، حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر، تضمین منابع قابل اتکا مواد خام و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز، حفظ بازارهای صادراتی و تعریف بازارهای جدید و توافق با کشورهای همسایه در خصوص مسیرهای حمل و نقل و بویژه تعیین مسیر خط لوله انتقال نفت، حل مسئله پرداختها در بین کشورهای CIS و جلب سرمایه و مشارکت خارجی در پروژه‌های اقتصادی از مهمترین چالشهای خارجی اقتصاد جمهوری آذربایجان می‌باشند.

تولد دوباره علم شرق شناسی و ایران شناسی در اوکراین

تاتیانا مالنکایا^۱

صاحب نظران و اوکراین شناسان کشور اوکراین را از نظر تاریخ و فرهنگ جزئی از اروپای شرقی می‌دانند. نظریه علمی به نام «جهت‌گیری به سمت دریای سیاه» که توسط میخائیل گروشفسکی مؤسس مکتب فلسفه تاریخ در اوکراین ارائه شده است به صورت گسترده نفوذ فرهنگهای بین‌النهرین، مصر، ایران، اعراب، ترکیه، ماورای قفقاز و آسیای مرکزی را در تغییر فرهنگ اوکراین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این نظریه همواره نسبت به تأثیر فرهنگ ایران بر فرهنگ اوکراین اهمیت خاصی قائل بوده است چرا که بنا به گفته گروشفسکی آثار این تأثیرات در جای‌جای اوکراین به چشم می‌خورد.

«ا. کریمسکی»^۲ اولین شرق شناس اوکراینی بود که با تحقیقات علمی خود در اوایل قرن ۲۰، علم شرق شناسی را در اوکراین بنیان گذارد. وی آثار متعددی را در زمینه‌های تاریخ، ادب و اقوام خاورمیانه و نیز در زمینه‌های اسلام و تصوف تدوین نمود و نیز اساس سه رشته

۱. خانم تاتیانا مالنکایا محقق انستیتو شرق شناسی اوکراین و استاد زبان فارسی در دانشگاه ملی شفجنکو کی‌یف می‌باشد. نامبرده محقق آثار کریمسکی در خصوص فسمتهای مربوط به ایران بوده و تاکنون نیز با مساعدتهای به عمل آمده از طرف نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کی‌یف دوبار به جمهوری اسلامی ایران مسافرت نموده است.

۲. ا. کریمسکی پایه‌گذار رسمی علم شرق شناسی در اوکراین می‌باشد و برجسته‌ترین شرق شناس اوکراینی بود. در دوران حکومت استالین وی به قزاقستان تبعید گردید و پس از تحمل مشقات فراوان در قزاقستان درگذشت. به پاس خدمات او انستیتو شرق شناسی اوکراین به نام وی نام‌گذاری شده است.